

**Sheikh Ali Khan Zanganeh's financial applications in stabilizing
the Safavid economic prosperity**

Amir Farahzadi¹

Received: 2021/05/27 | Accepted: 2021/09/06

(DOI): 10.22034/MTE.2021.10528.1439

Original Article

*P*169 - 192

Abstract

After the period of relative stability and political authority during the reign of Shah Abbas II 1052-1077 AH / 1642-1666 AD, the Safavid government entered a period of political transformation by relying on incompetent and incompetent statesmen who had no plan to get out of the political and economic crisis. However, with the coming to power of Sheikh Ali Khan Zanganeh 1079-1100 AH, sparks of hope, light and shock appeared once again on the sphere of Iranian politics. Suleiman 1077-1105 AH / 1666-1694 AD, based on a historical study and descriptive-analytical method to answer the question, what strategic policies to adopt due to the political decline and economic turmoil of the government after Shah Abbas II, Sheikh Ali Khan Zanganeh Was the government able to save the Safavids from the abyss of political misery and economic crisis? The main hypothesis of the research is that he carried out financial reforms (paying attention to domestic production capacities such as agricultural products, measures to increase the value of the national currency), military reforms (increasing the combat capability of the Safavid army), foreign policy reforms (stabilizing security Borders, creating a policy of balance in the degree of influence of European powers) was able to take effective measures for the political peace and economic prosperity of Safavid Iran.

Keywords Sheikh Ali Khan Zanganeh, Domestic Production, Financial Reforms, Military Reform

1 - Instructor of History Department, Payame Noor University, Tehran, Iran . Amirfarahzadi110@gmail.com

کاربست های مالی شیخعلی خان زنگنه در تثبیت رونق اقتصادی صفویان

امیر فرحزادی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22034/MTE.2021.10528.1439

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۵

علمی - پژوهشی

ص: ۱۹۲/۱۶۹

چکیده

پس از دوران ثبات نسبی و اقتدار سیاسی دوره شاه عباس دوم ۱۰۵۲-۱۰۷۷، ق/۱۶۴۲-۱۶۶۶م حکومت صفوی وارد دوره ای از تحول سیاسی با اتکاء به دولتمردانی ناتوان و بی کفایت گردید که تدبیری جهت برون رفت از بحران سیاسی و اقتصادی ندا شنیدند. اگرچه با روی کار آمدن شیخعلی خان زنگنه ۱۰۷۹-۱۱۰۰ق بار دیگر بارقه های امید و روشنایی و شوکتندی بر سپهر سیاست ایران ظاهر شد. پژوهش حاضر با هدف بررسی سیاستهای راهبردی شیخعلی خان زنگنه در ابعاد داخلی و سیاست خارجی صفویان، در دوره شاه سلیمان ۱۰۷۷-۱۱۰۵ق/۱۶۶۶-۱۶۹۴م، بر مبنای مطالعه تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد، که با توجه به افول و انحطاط سیاسی و نابسامانی اقتصادی دولت پس از شاه عباس دوم، شیخعلی خان زنگنه با اتخاذ چه سیاستهای راهبردی توانست دولت صفویان را از ورطه فلاکت سیاسی و بحران اقتصادی نجات دهد؟ فرضیه اصلی پژوهش آنست که وی با انجام اصلاحات مالی (توجه و تاکید به ظرفیت های تولید داخلی نظیر محصولات کشاورزی، اقدامات در راستای افزایش ارزش پول ملی)، اصلاحات نظامی (افزایش توان رزمی ارتش صفوی)، اصلاحات در زمینه سیاست خارجی (تثبیت امنیت مرزها، ایجاد سیاست موازنه در میزان نفوذ قدرتهای اروپایی) توانست اقدامات موثری در راستای آرامش سیاسی و رفاه اقتصادی ایران دوره صفوی به انجام رساند

واژگان کلیدی: شیخعلی خان زنگنه، تولید داخلی، اصلاحات مالی، اصلاحات نظامی

۱. مربی گروه تاریخ دانشگاه پیام نور تهران، ایران Amirfarahzadi110@gmail.com

مقدمه

وزارت به عنوان یکی از مهم ترین ارکان دیوانسالاری ایران در تمامی دوره های تاریخی کمابیش از اعتبار و جایگاه ویژه برخوردار بود. و بسیاری از امور اداری، مالی، قضایی و تشریفاتی کشور توسط وزارت حل و فصل می شد. در ابتدای تشکیل حکومت صفوی به خاطر کشمکش و منازعه میان اهل قلم و شمشیر و تفوق نظامیان بر سایر طبقات، جایگاه وزیر دچار تنزل شد، اما با تثبیت حکومت صفوی در زمان شاه عباس اول و مقابله شاه با جریان های مخالف درون حکومتی، بار دیگر وزیر، یا به عبارت دیگر اعتمادالدوله به صحنه قدرت بازگشت. از زمان شاه صفی اول، به واسطه بی لیاقتی وی، و عدم دخالت شایسته و لازم او در امور، قدرت وزیر اعظم و به تبع آن دیوانسالاری افزایش یافت. به ویژه آنکه، به علت کم شدن میزان اراضی ممالک که به تیول در اختیار قزلباش قرار داشت قدرت دیوان افزایش فراوان یافت. توسعه و گسترش علایق نظام اداری و مقام وزیر اعظم از زمان شاه صفی ۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق شروع میشود؛ یعنی از هنگامی که وزارت به عنوان وظیفه و مقام اداری شروع به رشد کرد. و خود را از جایگاه حاکم قدرتمند و مطیع منافع قبیله ای ارتقا بخشید. سرانجام در دوره شاه عباس دوم این اختلاف پنهانی بروز عینی یافت. وزارت در زمان عباس دوم، از موقعیت مستحکم تری برخوردار شد؛ چه، در این دوره تفوق نظام دیوان بر نظام سپاهی مسلم گردید. البته دوره وزارت شیخ علی خان، چندین مورد توجه مورخان قرار نگرفته است. چراکه آنان معتقد بودند، در حکومت سلطان سلیمان ۱۱۰۱-۱۰۷۳ ه.ق وقایع چندین مهمی رخ نداده است. حیات سیاسی شیخ علی خان زنگنه وزیر اعظم شاه سلیمان صفوی، از این لحاظ که منجر به بازگشت قدرت به سمت منافع قبیله ای بود. قابل توجه است. با توجه به جایگاه وزیر اعظم در نظام بوروکراسی صفویان، و تداخل اختیارات وی با شاه، یکی از اقدامات ارزشمند شیخعلی خان، تفکیک دو حوزه حکومتی دیوانسالاری و اوامر شاه از هم بود، که محدوده اجرایی و حوزه اختیارات آن مبهم و نامشخص بود و این امر خطرات عظیمی را گریبانگیر مقام وزارت می نمود.

انتصاب شیخ علیخان زنگنه به وزارت از جمله اقدامات شایسته شاه سلیمان صفوی بود. وی در دوره ای بر مسند وزارت تکیه زد که اوضاع و شرایط سیاسی کشور تحت تاثیر تهاجمات اکراد به مرزهای غربی و تجاوزات ازبکان به مرزهای شرقی در موقعیت شکننده و متزلزلی قرار گرفته بود. و اوضاع اقتصادی کشور و ناتوانی و بی تدبیری دولتمردان در چاره جویی برای حل معضلات موجود، به شکل فزاینده ای به این شرایط بحرانی دامن زده بود. شیخعلی خان به عنوان وزیر اعظم دولت، در این موقعیت تاریخی

بحرانی و شکننده دولت صفویان، توانست با بهره‌گیری از تجارب ارزنده و درایت سیاسی و توانمندی کم‌نظیر در بحران بوجود آمده، موجبات حفظ و تداوم قدرت حکومت صفویان را فراهم نماید. بر این اساس مسأله اصلی پژوهش حاضر آن است، که که راهبردهای مدیریتی شیخعلی خان در پیشبرد برنامه‌های اصلاح طلبانه وی چگونه قابل ارزیابی است؟ به عبارت دقیق‌تر، سیاست و اقدامات تحول‌گرایانه و اجرایی وی در اعاده نظم و امنیت سیاسی و رونق اقتصادی چه دستاوردهایی برای حکومت صفویه به همراه داشت؟

به نظر میرسد وی با انجام اصلاحات مالی (توجه و تاکید به ظرفیت‌های تولید داخلی نظیر محصولات کشاورزی، اقدامات در راستای افزایش ارزش پول ملی)، اصلاحات نظامی (افزایش توان رزمی ارتش صفوی)، اصلاحات در زمینه سیاست خارجی (تثبیت امنیت مرزها، ایجاد سیاست موازنه درمیزان نفوذ قدرتهای اروپایی) توانست اقدامات موثری در راستای آرامش سیاسی و رفاه اقتصادی ایران دوره صفوی به انجام رساند.

در مورد شخصیت اقدامات و شیخعلی خان زنگنه پژوهشهایی صورت گرفته است. اما تاکنون در مورد برآیند نقش و تاثیرات سیاست‌های راهبردی شیخعلی خان در ثبات سیاسی و رونق اقتصادی ایران دوره صفوی اثری مستقل و جامع صورت نگرفته است. در مقاله «پژوهشی درباره عملکرد شیخعلی خان زنگنه وزیر شاه سلیمان صفوی در طول وزارتش» از علیرضا کریمی، که تلخیص و چکیده رساله پایان‌نامه وی برای اخذ مدرک کارشناسی ارشد وی در رشته تاریخ می باشد، نویسنده با اشاره به زندگینامه و اعتقادات مذهبی و پرداختن به قدرت و اختیارات شیخعلی خان در دوران قبل و بعد از وزارتش، بررسی شیعه بودن و سنی بودن و نقش‌گرایشهای مذهبی وی در تصمیم‌گیریهای سیاسی شیخعلی خان و رمز تداوم قدرت در مقام وزارت، و اقدامات و اصلاحات سیاسی و اقتصادی وی پرداخته است که جهت آشنایی با شخصیت شیخعلی خان و تحولات سیاسی دوره صفویان در وزارت شیخعلی خان بسیار مفید است مقاله «نگاهی به وزارت شیخعلی خان زنگنه» از علی جعفر پور و پخشان سلیمی، نیز با نگاهی به دوران وزارت شیخعلی خان زنگنه تلاش نموده است ضمن اشاره به اصل و نسب و پیشینه تاریخی و قبیله ای او و مسئولیت‌های نظامی و ویژگیهای شخصیتی و سیاسی و دینی شیخعلی خان و پرداختن به اقدامات وی در ساختن و عمران بعضی از بناهای عام‌المنفعه همچون مدارس و مساجد، به بحث و بررسی دوران وزارت وی پرداخته است که دارای مطالبی ارزنده و قابل توجه در مورد شخصیت شیخعلی خان ارائه نموده است. همچنین «مقاله ثبات و تغییرات حکومتی صفویان در دوره شیخعلی خان زنگنه» از رودی متی نیز از جمله پژوهشهای انجام شده در مورد دوران وزارت شیخعلی خان زنگنه است. که در این مقاله نویسنده با اشاره

به اقدامات سیاسی و اجتماعی صورت گرفته توسط شیخعلی خان ، تصویر مطلوبی از تحولات و اصلاحات دوران وزارت شیخعلی خان ارائه نموده است . اما اهتمام این تحقیق واکاوی عوامل موفقیت و کامیابی و ارزیابی سیاستهای اصلاحگرایانه و خلاقانه و هوشمندانه شیخعلی خان زنگنه در ایجاد ثبات سیاسی و تقویت نظام اقتصادی صفویه با توجه به افول قدرت سیاسی و بحرانهای اقتصادی پس از شاه عباس دوم و دوره شاه سلیمان صفوی میباشد. موضوعی که حلقه مفقوده و مغفول تحقیقات و پژوهشهای تاریخی دوره صفویه میباشد.

روند ترقی شیخعلی خان

شیخ علی خان زنگنه در سال ۹۹۰ ق در قبیله کرد زنگنه به دنیا آمد (خاتون آبادی، ۱۳۵۱: ۵۳۰-۵۳۱) پدر او علی بیگ زنگنه در دوره شاه عباس اول «جلودار»^۱ بود، که در سال ۱۰۲۵ ه.ق به درجه امیر آخور باشی^۲ ارتقاء یافت. و تحت فرمان شاه صفوی، قورچی شد (مردوخ کردستانی، ۱۳۵۹: ۱۰۱) شیخ علی خان، به عنوان کسی که از اصطبل شاهی برآمده بود، در زمان سلطنت صفوی، مدتی امیرآخورباشی شد. و به برادر اولش شاهرخ سلطان، که در سال (۱۰۴۸ ه.ق) امیر زنگنه شد، پیشی گرفت (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۷: ۲۶۵). کمتر از یک سال بعد، شاهرخ سلطان درگذشت. و شیخ علی خان، از طریق انتصاب به مقام امیر زنگنه، قدرت خود را بیشتر نمود. (حسینی استرآبادی، ۱۳۴۷: ۲۵۹). از سال (۱۰۶۳ ه.ق) به بعد، شیخ علی خان، به عنوان خان قبیله کلهر، خدمت کرد. و تیولدار سنقر و کرمانشاه، زادبوم ایل زنگنه، شد (وحید قزوینی، ۱۳۴۹: ۱۸۱). وی در طی ایامی که حکومت کرمانشاهان را در دست داشت، شایستگی های خود را به ظهور رسانید. او در طی ایام مذکور دست به عمران و آبادانی کرمانشاه گشود. هم چنین در آن ایام واسطه بین مخالفان منوچهرخان حاکم لرستان و شاه شد و عرایض آن ها را ، به عرض شاه رسانید. (وحید قزوینی، ۱۳۴۹: ۱۸۲) شیخعلی خان هم چنین در سال ۱۰۶۳ ق که حاکم کرمانشاه بود، سلمان خان، حاکم کردستان را که در این سال مصمم به پناه جستن به خاک عثمانی بود ، گرفتار کرد و او را نزد شاه عباس دوم فرستاد که این امر حاکی از وفاداری شیخعلی خان به خاندان صفوی بود. شیخعلی خان به سال ۱۰۶۶ ق به حکومت سنقر و دینور تعیین گردید. (وحید قزوینی، ۱۳۴۹: ۲۲۷)

^۱ یکی از امرای عصر صفوی که مسئول قراولان و محافظان شاه بود

^۲ امیر آخور باشی رسیدگی به اسبان شاهی را بر عهده داشت و اسبها را برای سواری شاه آماده می کرد.

در این دوره، او قابلیت‌های اجرایی خود را با میانجی‌گری موفقیت‌آمیز در درگیری بین لرها و حاکم جدید آنها منوچهرخان، به نمایش گذاشت. (لوفت، ۱۳۴۶: ۱۱۰) او طی این سالها، به عنوان یک فرمانده نظامی شایسته، کسب شهرت کرد، و در سال (۱۰۷۶ ق) شاه عباس دوم، با اعزام گروهی از ایل زنگنه به اصفهان، وی را فراخوانده، و به عنوان، یک فرمانده نظامی (سردار) به خراسان فرستاد، تا یورش ازبک‌ها را در مناطق شمالی سرکوب نماید (شاردن، ۱۳۷۱: ۱۰ / ۱۲۵). دوره سیاسی شیخعلی خان، با مرگ شاه عباس دوم، در سال بعد، و بر تخت نشستن شاه سلیمان، همچنان تداوم یافت. و این جا به جایی قدرت، به او فرصتی داد، تا به پیشرفت و ارتقاء خود میان درجات دیوانسالاری ادامه دهد. با نمایش قابلیت‌های نظامی، او، در سال (۱۰۷۸ ق) مجدداً به اصفهان فرا خوانده شد و به سمت فرمانده تفنگچیان (تفنگچی آقاسی) گمارده شد. وی سرانجام در سال (۱۰۷۹ ق) توانست، به عنوان جایگزین محمد میرزا مهدی، به عنوان وزیر اعظم، منصوب شود. (شاملو، ۱۳۷۱: ۲ / ۱۵۳) و با اقدامات و اصلاحات خود در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی دولت صفویان را از یک بحران ویرانگر نجات دهد و سقوط این حکومت را سالها به تأخیر اندازد. با مرگ شیخعلی خان، دولت مجدداً دچار رکود اقتصادی و نابسامانی سیاسی و اجتماعی شد. بویژه، اینکه انتصاب افراد بی‌کفایتی، همچون فرمانده تفنگداران، خسروخان و خزانه‌دار دولت، (مستوفی‌الممالک) میرزا صادق، که با توقف سیاست‌های مالی شیخعلی خان در اصلاحات مالی و بهبود و افزایش ثروت و دارایی خزانه سلطنتی همراه شد. (عیسوی، ۱۳۶۱: ۹۵) حکومت را در مسیر انحطاط سیاسی و اقتصادی قرار داد. بنابراین، قانون خراج پنج درصدی روی پول انتقالی از اصفهان و بالتبع ممنوعیت، دادن برات (حواله) بدون پرداخت آن مالیات، بلااستفاده شد. و اهدای مجدد تیول، و ازدست رفتن بسیاری از اراضی سلطنتی، دوباره از سر گرفته شد. (Al-Qasimi, 1999: 71)

اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در آستانه وزارت شیخعلی خان

وزیر در سلسله مراتب عمال قدرتمند در مرتبه بلافاصله پس از شاه قرار داشت، که چارچوبه قدرت وی در اعصار مختلف صفوی، دارای اندازه‌های متفاوت بود. می‌توان گفت میزان قدرت وزراء با میزان عمر آنها در درازمدت هماهنگی داشت. موقعیت وزیر اعظم در دوره صفویه از بسیاری جهات همچون وضع وی در تاریخ قبل از صفویه بود. وزیر همچون گذشته در این دوره نیز سپر بالای شاه محسوب می‌شد، به این معنی که شاه به وزیر اختیارات لازمه را می‌داد و از طرفی نیز هر گونه نارضایتی که از طرف مردم عادی و یا حکومتی پیش می‌آمد خطر آن متوجه وزیر اعظم بود نه شاه. (سمیعا، ۱۳۶۹: ۵۱) به نظر می‌رسد مقام وزارت در زمان شاه اسماعیل اول از چندان قدرت و اعتباری برخوردار نبود و وزیر تنها معین

و یاور شاه بود. وزارت در دوره تهماسب چندان جایگاهی برای خود پیدا نکرد و قدرت آن همچنان در حداقل خود باقی ماند. از زمان صفی اول، به علت کم شدن میزان اراضی ممالک که به تیول در اختیار قزلباش قرار داشت قدرت دیوان افزایش فراوان بخشید اما علی رغم این که وزیر و دستگاه دیوانی در این دوره دارای قدرت فراوانی شده بود ولی فساد و ارتشاء به آن راه یافته بود. اولتاریوس وزیر اعظم این دوره را به منزله گاوی شیرده معرفی می کند که با گرفتن مالیات سنگین و اجباری از مردم تمام دارایی مملکت را ظالمانه می خورد و شاه هم او را می دوشد. (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۷۹) وزارت در زمان عباس دوم از موقعیت مستحکم تری برخوردار شد؛ چه، در این دوره تفوق نظام دیوان بر نظام سپاهی مسلم گردید. اما با توجه به اینکه اوضاع اقتصادی از زمان عباس ثانی رو به وخامت نهاد. و یکی از علل انتخاب وزیر اعظم نیز آن بود که راه حلی برای بحران اقتصادی بیابد. در زمان شاه سلیمان که فردی خردسال به هنگام جلوس و بی تجربه بود اوضاع مملکت از هر حیث به هم ریخت لذا شاه به فکر تعویض وزیر افتاد و میرزا محمد مهدی را عزل و شیخ علی خان زنگنه را که بزرگترین وزیر اعظم دوره صفوی شد را به جای او به وزارت رسانید (دومانس، ۱۳۵۹: ۱۵۹). انتصاب شیخ علی خان، به عنوان وزیر اعظم، تحت تأثیر وضعیت بحرانی ایران نشأت گرفته از نا امنی و وخامت اوضاع اقتصادی، قابل ارزیابی می باشد. چرا که آشفتگی مرزهای ایران در شرق به واسطه تهاجمات ازبکها و نا امنی مرزهای غربی به علت شورش ها و غارت های کردها، از یک طرف (نصر آبادی، ۱۳۴۹: ۸) و برداشت محصولات کشاورزی نامناسب، قطعی شدید و طاعون، احتکار نان توسط نانوایان و تاجران غلات، این وضعیت بحرانی را دوچندان نموده بود. (مشیزی، ۱۳۶۹: ۳۵۳) شیخعلی خان بارها توانایی های نظامی خود را در منکوب نمودن ازبکها نشان داد. او با توجه به ریشه و تعلق وی از لحاظ نژادی به اکراد، امید بود که بتواند تهاجمات و شورش ازبکان و اکراد را دفع و سرکوب نماید. شورش اکراد در دوران شاه عباس، آغاز شده بود. اما به رغم تلاش ها و اقدامات شاه عباس دوم جهت پایان دادن به اوضاع نا امن و بازگرداندن آرامش در مرزهای غربی، نتوانست به موفقیتی دست یابد. و چنین شرایطی در کنار بحران اقتصادی چشم انداز سیاسی حکومت صفویان را در حاله ای از ابهام، و درماندگی و دولت را در استیصال فروبرده بود. (کمپفر، ۱۳۶۱: ۴۱) و این در حالی بود که، تاج گذاری شاه سلیمان هم نیازمند جشن های باشکوه و پرهزینه ای بود که تداوم مشروعیت سیاسی و حفظ اقتدار حکومت مشروط به این قدرت نمایی و مراسم نمادین سلطنتی بود. برگزاری سه جشن تاج گذاری در مدت سه سال، به پادشاهی رسیدن شاه سلیمان، که نخست با نام صفی در سال (۱۰۷۶ ه.ق) تاج گذاری کرد، بار مالیاتی سنگینی را بر دوش مردم تحمیل نمود، که، تمام درآمد حاصل از این مالیاتها، صرف مخارج و تشریفات سلطنتی شدند. (شاردن، ۱۳۷۳:

۵۷۱/۹) بر اساس رسوم گذشته حکومت، اقدام عاجل بخشش مالیات، به منظور جلب وفاداری مردم بود. که تا حدی توانست از نارضایتی گسترده و وخامت اوضاع بکاهد. (هینتس، ۱۳۵۵: ۵۹) قحطی و کمبود اقلام و مایحتاج ضروری مردم و به دنبال آن ناتوانی و بی کفایتی دولت در برطرف نمودن آن، همچنان با تهدیدهای نظامی متعددی در مرزهای ایران، همزمان شده بود علاوه بر تهاجم ازبک‌ها از آسیای مرکزی و شورش اکراد در مرزهای غربی، قزاق‌ها نیز از روسیه، از خلأ قدرت ونابسامانی اوضاع سیاسی و بحران اقتصادی ایجاد شده، استفاده نموده، و برای تصرف مناطق شمالی ایران، به این مناطق یورش بردند. و خرابی‌های زیادی را در زمین‌های اطراف دریای خزر به بار آوردند. آنها نه تنها شهر آستاراخان در ساحل شمالی را تصرف کردند، بلکه سواحل جنوبی که حاصلخیزترین و یکی از ثروتمندترین مناطق و منابع درآمد ایران بود، یعنی نواحی پرورش ابریشم را نیز غارت کردند. (دومانس، ۱۳۵۹: ۱۶۱-۱۶۳) افزایش آمادگی و توانمندی نظامی، که با این واقعه بسیار ضروری به نظر می‌رسید، موجب صرف هزینه‌های فراوان شد، که عمدتاً از طریق درآمد‌های حاصل از املاک سلطنتی تامین شد. واکذاری تیول یا سود آن به افراد، در ازای خدمت به شاه، اغلب در قالب تجهیز ارتش، به مدت محدودی به طور رسمی اعطاء شد. اما در عمل، تمایل به ارثی بودن داشت. از اواخر قرن دهم هجری، بخش زیادی از اراضی جدا شده، به این شکل، مجدداً به عنوان املاک شاه تلقی شد. این فرآیند که در سلطنت شاه عباس دوم به اوج رسید، در اواخر دوره وی، که نیاز به ارتش برای مقاومت در برابر یورش‌های قبیله‌ای در شمال، دولت را مجبور به واگذاری مجدد برخی اراضی به عنوان تیول نمود (مشیزی، ۱۳۶۹: ۲۴۴). این سیاست ارضی، که تا سال‌های اول سلطنت شاه سلیمان، ادامه پیدا کرد، به ضرر درآمد سلطنتی تمام شد. در نتیجه، عواملی همچون، بلایای طبیعی مختلف، هزینه‌های گزاف دربار و خسارات مالی ناشی از غارتگری اکراد و از دست رفتن اراضی خالصه، خزانه سلطنتی، اندکی پس از جلوس شاه سلیمان، کاملاً خالی شد. و به تبع آن، شاه مجبور به کاهش مخارج گردید. شاردن، در این رابطه اظهار می‌دارد، که مادر سلیمان، نکبت خانم چرکسی، عامل ترغیب پسرش شاه سلیمان (۱۰۷۸ ه.ق) در صرفه‌جویی در هزینه‌ها و مخارج، دربار بود (شاردن، همو: ۳۳۱/۹) کمپفر نیز، به طور مشابه، به این تغییر سیاست، سلیمان، از اسراف و تبذیر، به صرفه‌جویی در هزینه‌ها جهت بهبود اوضاع اقتصادی کشور، اشاره می‌کند. (کمپفر، ۱۳۶۰: ۶۵-۶۶) این سیاست جدید، بخوبی بیانگر علل انتصاب شیخ علی خان به عنوان وزیر اعظم، نظیر ارتقاء محمدبیگ به همین مقام در ۱۵ سال قبل، را نشان می‌دهد. چرا که هر دو نفر از افراد نخبه و کاردان و توانمند در اداره امور کشور و بویژه، مدیریت صحیح خزانه سلطنتی بودند، (مشیزی، ۱۳۶۹: ۲۴۵).

سیاست خارجی شیخعلی خان برای ساماندهی اقتصاد دولت

با روی کار آمدن شیخ علی خان به عنوان وزیر اعظم وی فوراً، با اتخاذ سیاست اصلاح سیاست مالی و قطع هزینه های اضافی، موجب افزایش درآمد و بازگرداندن آرامش نسبی در حکومت شد. شیخ علی خان، در راستای اصلاحات اقتصادی خود، دستگاه و نظام دیوانسالاری را که وظیفه کنترل و نظارت بر تامین ابریشم استان های شمالی و انتقال درآمد حاصله از فروش آن را به پایتخت داشت، تحت نظارت مستقیم خود درآورد. (شاردن، ۱۳۷۳ ب: ۱۹۵). و با توجه به اهمیت فروش ابریشم به عنوان مهمترین منبع درآمد سلطنت، بازرسی سختگیرانه تری را برای عرضه سالانه ابریشم به شرکت هلندی هند شرقی، که قدرتمندترین شرکت بازرگانی دریایی بود، تاسیس و ایجاد نمود. هلندی ها نیز در ازای اخذ و کسب امتیازهای تجاری، از سوی دولت ایران، متعهد شدند، که تا تعداد ۶۰۰ عدل ابریشم را، سالیانه از شاه با قیمت ثابتی خریداری کنند، که تقریباً از نرخ بازار در تمام سال های بحران اقتصادی بالاتر بود؛ (Mathee, 1994:91) اگرچه تا چند سال، آنها به ندرت مجبور به خرید کل این مقدار شدند. اما شیخ علی خان، پس از کسب قدرت، به طور ناگهانی، اقدام به تامین سهمیه ۶۰۰ عدل ابریشم توسط حاکمان شمالی کرد. و هلندی ها را مجبور به خریدن هر مقداری که به اصفهان ارسال شده بود، نمود. (فریر، ۱۳۸۲: ۱۴۵) از جمله دیگر اقدامات شیخ علی خان که بر تجارت خارجی تأثیر گذاشت، تلاش برای توسعه نظارت دولت بر شکر به عنوان کالایی مهم و پر درآمد بود. شکر در مقادیر بالا توسط دربار و نیز اعمال مالیات ۵ درصدی بر تمام شمش هایی که تاجران، با هدف ارسال با کشتی از اصفهان به هند، و به ساحل خلیج فارس انتقال می دادند، برتری و سود بیشتری داشت. (براین، ۱۳۸۳: ۹۷) در تمام این اقدامات، شیخ علی خان، شایستگی و کردانی قابل ملاحظه ای، را از خود به نمایش گذاشت. تلاش و زحماتی که شیخ علی خان، در اجرای این سیاست و اصلاحات مالی و اقتصادی به خرج داد، علی رغم طرح های مالی معدودی، تماماً موفقیت آمیز بود. برخی از اقدامات وی در جهت بهبود درآمد، هرگز به مرحله اجرایی نرسید. و بسیاری از آنها به دلیل قدرت منافع مسلم تجاری، و وابسته به زمین یا اعمال نفوذ دشمنان خارجی و داخلی، شکست خورد. با این وجود، سیاست مالی شیخ علی خان بسیار رضایت بخش به نظر می رسد. و چنان قدرت زیادی در این فرآیند، کسب نمود. که جایگاه او به زودی مستحکم و نفوذ ناپذیر، قلمداد می شد. و کمتر از یک سال پس از انتصاب او، امور دولت کاملاً به دست او سپرده شد. (فوران، ۱۳۷۷: ۲۵) خط مشی بسیار عاقلانه و دوراندیشانه ای وی در سیاست خارجی ایران به ویژه در برابر کشورهای اروپایی و سپس کشورهای آسیایی سبب ایجاد، نوعی موازنه در میزان نفوذ دولت های اروپایی در ایران شد و در نتیجه منافع ایران تأمین گردید. (سیبلا، ۱۳۶۵: ۹۷) در همین رابطه، تمام قراردادهای اتحاد و

همکاری های دوجانبه در زمینه سیاسی و تجاری با دولتهای بیگانه، تنها با موافقت وی قابل مذاکره و انعقاد بود. و مجوز ورود سفرای خارجی و چگونگی حضور و برنامه های آنها در ایران، فقط با اجازه وی امکانپذیر بود. (کمپفر، ۱۳۶۰: ۴۱-۴۲)

سیاست داخلی شیخعلی خان برای تقویت اقتصادی

اقدامات اصلاح گرایانه و خدمات ارزنده شیخ علی خان زنگنه در دوران وزارتش، تأثیرات و نتایج درخشانی را در نظام سیاسی و اجتماعی صفویان به دنبال داشت. وی عمدتاً خواهان و طرفدار سرسخت اصلاح نظام اداری بود و خواستار اصلاحات در ساختار و نظام بوروکراسی اداری و نابسامانی و فساد فراگیر در آن بود. و معتقد بود فساد اداری مملکت را به استیصال و نابودی خواهد کشاند. و در همین راستا تصمیم گرفت یک انقلاب اداری جهت سامان بخشیدن و انتظام امور مملکت بوجود آورد. اصلاحات عمده شیخ علی خان زنگنه را جهت تحول در نظام سیاسی و اقتصادی دولت صفویه را میتوان در موارد ذیل برشمرد: ۱- اصلاح اداری کشور و ممیزی تیولها و اقطاعات. ۲- اصلاح موقوفات. ۳- احیای اقتصاد کشاورزی و بهبود وضع مالیه کشور. ۴- مبارزه با رشوه و ارتشاء و رباخواری، یکی از اصول عمده تفکرات ایشان بود. ۵- تجدید سازمان اداری مملکت و اصلاح اداره کشور و نصب مأموران با کفایت. ۶- اصلاح سیاست خارجی کشور. (سانسون، ۱۳۴۷: ۷۵) به علت عدم توجه و تسلط شاه سلیمان به اداره امور کشور، دولت صفوی دچار ضعف و انحطاط شد. شیخ علی خان زنگنه صدر اعظم با تدبیر و کاردان او که باید او را امیر کبیر عصر صفوی دانست، انتظامی کامل در ممالک محروسه‌ی شاهی برقرار کرد. شاه سلیمان ثبات اندیشه و سیاست مقبوله در عرصه‌های حکومتی و اجتماعی را به تدریج از کف داد و به دلیل شارب الخمر بودن و بعضاً در حالت مستی مبادرت به بذل و بخشش‌های بی حد و حصر می‌کرد؛ مثلاً فلان بندر مهم را به رقاصه‌ای می‌بخشید و این گونه افراد موقعی که جهت استیفای حکم مربوط به صدر اعظم (شیخ علی خان) مراجعه می‌کردند، اعتماد الدوله با دادن هدایای دیگری به افراد ذینفع و بالاخره با راضی کردن آنان، از به یغما رفتن بنادر و شهرها پیشگیری می‌کرد و به همین جهت ضرب المثل «شاه بخشید، شیخ علی خان نمی‌بخشد» در بین درباریان و محافل و اجتماعات مردمی منقول و مرسوم شد. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۹: ۸۳) از جمله اقدامات شخص شیخعلی خان زنگنه نیز در دوره صدرات، ایجاد مجموعه ارزشمندی از موقوفات و احداث مدارس علمیه و مراکز دینی است. این وزیر با قناعت و با سیاست املاک و اقطاع و دهکده‌های متعددی در ایالت کرمانشاه و همدان داشت که تعدادی از آنها را به عنوان موقوفه عام به قبض وقف سپرد و شرح قسمتی از آنها در وقف نامه‌های وزین آن مرحوم درج شده است.

با امان نظر به اینکه از وی دو فقره وقف نامه تحریر شده در دو زمان جداگانه (هر یک مربوط به استان های کرمانشاه و همدان) برجای مانده و وقف نامه مربوط به استان کرمانشاه که نسخه ای از آن در اداره کل اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه و مشابه آن (و در واقع نسخه ی بی بدیل آن) در کتیبه سنگی سراب بیستون (کنار نقش و فرمان ناتمام گودرز پسر گیو از پادشاهان اشکانی) حجازی و نقر شده مقدم بر دیگری است. (کشاورز، ۱۳۸۲: ۴۹) وقف نامه ی سنه ۱۰۹۳ هجری قمری، وقف نامه معتبر و مسجل در دوران صدرات آن وزیر بادرایت در اصفهان کتابت و تحریر یافته که به قلم و مهر اعلم علمای آن روزگار، چون: علامه ملا محمد باقر مجلسی، ملا میرزای شیرازی و آقا جمال الدین خوانساری و مسجل و ممضی شده است. (مشیزی، ۱۳۶۹: ۴۷۱)

از جمله مشکلاتی که شیخعلی خان در ابتدا با آن مواجه شد، تیول ها بود، که وی با ابتکار عمل و بازگرداندن، و ضمیمه نمودن آنها به املاک خاصه و سلطنتی، توانست ثروت و درآمد دولت را دوچندان کند. وی یکی دیگر از مشکلات دولت را مرتفع کرده و در جهت تقویت سرمایه و منابع درآمد خزانه و جبران کسری بودجه مملکت بهره برداری نماید. سانسون در این رابطه اظهار میدارد: «همه خان های بزرگ بخاطر منافع خود پنهانی، با این کار (اصلاحات تیول داری) مخالفت می ورزیدند چون منافع شان به خطر می افتاد، زیرا همگی تیول داشتند و در این میان برخی بر اثر این سیاست اصلاحی شیخعلی خان عوایدشان به ربع و حتی کمتر از آن کاهش می یافت. (سانسون، ۱۳۴۷: ۷۶) شیخ علی خان زنگنه به عنوان منشأ اصلی و مبتکر اصلاحات در اواخر صفویه، در صدد بر آمد تا نظام مالیاتی را سرو سامان دهد. و مالیاتهای، اضافی، که گاهی عمال و متصدیان مالیاتی از کشاورزان و روستائیان می گرفتند، از بین برده و مودیان متخلف را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داد. و از خود سری ها و رشوه خواری مودیان به شدت جلوگیری بعمل آورد. و تلاش های خود در جهت افزایش درآمد را از سر گرفت. بستن مالیات بر ثروتمندان و مقامات عالی رتبه حکومتی و زمینداران بزرگ و اقلیت های مذهبی همچون زردشتیان و ارمنیان جلفای نو (سانسون، ۱۳۷۳: ۹۷) و ارسال افراد معتمد به عنوان ممیز مالیاتی در همین راستا قابل ارزیابی است. مشیزی، به ذکاوت شیخ علی خان در ارسال افراد جمع کننده خراج به مناطق دورافتاده اشاره می کند. هر از چند گاهی، ماموران او با درخواست درآمد خراج و اعمال جریمه به مبالغ عقب افتاده، به کرمان می رفتند. در سال (۱۰۹۴.ق)، یکی از رجال او جهت مشایعت یک ممیزی مالیاتی برای زرتشتیان ساکن شهر، اعزام شد، تا مالیات سرانه آنها به درستی ارزیابی شود. (مشیزی، ۱۳۶۹: ۴۸۷) نهایتاً اینکه خالی ماندن تعداد زیاد مقام های عالی رتبه در سال (۱۰۹۱.ق)، ممکن است، نتیجه خط مشی وزیر نیز بوده باشد. شیخعلی خان در امر اخذ مالیات برای خزانه دولت بسیار سختگیر بود. (کمپفر،

۱۸۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

۱۳۶۰: ۸۳) و در دوره وزارتش جز افزایش ثروت مملکت و خدمت به مخدوم خویش، هدف دیگری دنبال نمیکرد. (شاردن، ۱۳۷۳: ۱۰۴/۳) سخت گیری شیخعلی خان در امور مالی، فقط مربوط به مردم مسلمان نبود بلکه این موضوع درباره سایر پیروان ادیان و اقلیتهای مذهبی با عدم مسامحه و قاطعیت بیشتری همراه بوده است. وی زمانی که پای یهودیان، ارمنیان و هندیان در میان بوده است، سخت گیری بیشتری می نموده است. و در مورد مسیحیان دستور داده بود مسیحیان در ازای اعطای حق آزادی برای اجرای مراسم مذهبی، هر ساله دویست تومان مالیات به دولت بپردازند. (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۸۷) ادامه سیاست شیخ علی خان مبنی بر کاهش مخارج و افزایش مالیات، کاملاً موفقیت آمیز بوده است. چنانکه شاردن در مورد اصلاح و تجدید نظر وضع موجود نوشته است.

«شیخ علی خان صدراعظم که بزرگ مردی کریم گوهر، خداجوی، روشن نظر و مردانه بود، و من از دومین سال سلطنت شاه سلیمان با او آشنا شده ام. بارها به تجدید نظر و اصلاح بتول که به راستی سخت نابهنجار و آشفته است تصمیم گرفت، و بر آن بود به هر یک از مأموران و کار گزاران به نسبت به حقوقش تیول واگذار کند، و بدین گونه بر آبادانی خزانه بیفزاید. اما همواره با موانع و مشکلات شکست ناپذیری، روبرو می شد. چون کلیه بزرگان و جاه طلبانی که تیول در اختیار داشتند، و درآمدهای شایانی عایدشان می شد، به جد تمام در نهان و آشکارا با تصمیم صدراعظم مخالفت می کردند، و گرنیت این استوار کار عاقبت نگر، به مرحله عمل می انجامد منافع ایشان به یک چهارم حتی کمتر تقلیل می یافت.» (شاردن، ۱۳۷۳: ۱۰۴/۳)

در سال ۱۰۹۳ ه.ق، هلندیها ادعا کردند، که خزانه سلطنت به میزان ۱۵۰۰۰۰ تومان تحت وزارت شیخ علی خان افزایش موجودی داشته، که بیشتر آن به دلیل نبود مخارج نظامی بالا است (عیسوی، ۱۳۶۱: ۸۹) سانسون نیز اشاره می کند، که درآمد شاه در دوران سلطنت سلیمان، به شدت افزایش یافته و مقدار پول واریزی به خزانه سلطنتی را روزانه ۵۰۰۰۰ لیر یا بیش از ۱۱۰۰ تومان تخمین میزند. (سانسون، ۱۳۴۷: ۱۰۹) و یا مؤلف فار سنانه ناصری در مورد اقدامات و خدمات شیخ علی زنگنه در زمان شاه سلیمان صفوی می نویسد:

«تزدیک به شانزده سال وزارت ممالک محروسه ایران را بی مشارکت غیر نموده، نظمی کامل داده، فتنه های داخلی و خارجی را خوابانید و شاه و سپاه را خشنود و رعیت را آسوده داشت. و بالجمله این وزیر را رای صائب و همتی بلند و طبعی ارجمند و عقیدتی پاک بود و مادام زندگانی در تقویت دین و دولت کوشید و عموم علماء و سادات و گوشه نشینان را احترام نمود و شبها را در کوچها گشته بدست خود درب خانه های ارباب استحقاق را کوبید و مبلغی نقد و جامعه به صاحب خانه عنایت می نمود.»

(فسایی، ۱۳۷۳: ۴۸۹) وی با امتناع قاطعانه از افراط در امر رایج قبول هدایا یا رشوه‌ها به عنوان جزئی از سیاست عمل گرایانه خود، به فساد ناپذیری معروف شد کمپفر، که به مدت پانزده سال کامل، پس از به دست گرفتن مقام وزارت، توسط شیخ علی خان در ایران بود، اذعان میدارد، که وزیر اعظم، هرگز در ایستادگی و مقاومت سازش ناپذیر خود، مقابل هدایا و رشوه‌ها سست نشد. (کمپفر، ۱۳۶۰: ۸۹)

شاردن نیز در توصیف فضایل اخلاقی و شخصیتی شیخعلی می نویسد: « او همیشه شخصیت و استقلال خود را در برابر شاه حفظ میکرد. او شب‌ها با لباس مبدل در محلات گردش می‌کرد و از اوضاع مملکت خبردار می‌گردید و به فقرا و ضعفا و طلاب علوم دینی و ایتم، بذل و بخشش می‌کرد. حمامات نیکو و رباطات در شهرها و عرض راه اعتاب مقدسه بنا کرده است. هرگز با وجود اصرار شاه لب به مشروب نمی‌زد و می‌گفت: «شاه بر جان من حق دارد؛ اما بر دین من حق ندارد.» (شاردن، ۱۳۷۳: ۲۳۷/۷)

قدرت شیخعلی خان بسیار زیاد بود و این را می توان کرارا در تذکره صفویه کرمان دید. بارها اتفاق افتاد که شیخعلی خان، حتی پس از صدور حکم شاه مبنی بر امری، آن را به واسطه نفوذ خود دگرگون می ساخت و یا قبل از آن که شاه حکمی را صادر کند با دادن نظر مشورتی خود شاه را متقاعد به پذیرفتن نظر خود می کرد. (مشیزی، ۱۳۶۹: ۴۵۴)

هم چنین او بارها با پادرمیانی خود جان افرادی را که مغضوب شاه واقع شده بودند نجات داد (نویایی، ۱۳۶۵: ۲۲۹). وی همچون سایر وزرای تاریخ ایران، به خصوص وزرای شایسته، از امنیت شغلی کافی برخوردار نبود و همیشه در این بیم به سر می برد که به فرمان شاه تصفیه شود. به همین سبب، وی برای تحکیم وضع و موقع خود، سیاست های خاصی اعمال می کرد. به این ترتیب که از یک طرف مراقب بود تا کسی از دشمنانش نتواند شاه را علیه او تحریک کند، و از سوی دیگر سعی داشت تا با اظهار چاکری به درگاه شاه سلیمان، هر چه بیشتر مورد توجه او واقع گردد (کمپفر، ۱۳۶۰: ۷۹)

این ها گویای مقام و اعتبار بالای وزیر، نزد شاه بود. در دوره وزارت شیخعلی خان بعضی امور حتما می بایستی فرمان شخصی شاه بر آن ها صادر شده باشد تا به مرحله اجرا درآید و بعضی هم می توانستند بدون امر مستقیم شاه صرفا با امر مستقیم وزیراعظم به اجرا درآیند. لذا وزیر ناگزیر بود که پیوسته در نزدیکی کاخ باشد و حتی منزل او هم جنب کاخ قرار داشت، تا به این وسیله انجام بعضی امور که منوط به فرمان شاه بود، معوق نماند. هم چنین می فهمیم که حتی آن امر و فرمان مختص شاه نیز اساسا از چهارچوب منظر وزیراعظم توسط شاه صدور می یافت. (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۷۶). شیخعلی خان تمام حکام ایالات و ولایات را تعیین می کرد و مقامات عالی رتبه نظامی را هم او انتخاب می کرد. هم چنین فرماندهان

نظامی که به میدان جنگ مأمور می شدند همگی با نظر وی تعیین می شدند یا لاقول وی وسایلی برمی انگیزت تا شاه، این مناصب را به هرکسی که می خواهد بدهد (سانسون، ۱۳۴۷: ۴۴). کمپفر حتی شیخعلی خان را به عنوان دارنده مقام نیابت سلطنت معرفی می کند. و اعمال سایر حقوق خاص پادشاهی را به دست وی می داند. (کمپفر، ۱۳۶۰: ۷۵). تمام بار مملکت بر گرده شیخعلی خان بود و شاه خود با فراغت و بدون معرفت به اوضاع عمومی و کشوری به زندگی خاص خود ادامه می داد. (کمپفر، ۱۳۶۰: ۷۳). کمپفر می نویسد که او در باطن قدرت سلطنتی را اعمال می کند. و شاه فقط در ظاهر صاحب و واجد آن است (همان). شیخعلی خان نماینده یا نایب کل شاه در کلیه امور شاه و کشور بود هیچ دستور شاه ولو به هر مهری جز با تایید و مهر وی معتبر نبود. (شاردن، ۱۳۷۳: ۲۳۶/۸). سانسون مالیه، تجارت و روابط خارجه را زیر نظر شیخعلی خان می داند و او را نایب السلطنه کشور معرفی می کند. (سانسون، ۱۳۴۷: ۴۶). شیخعلی خان همه امور مملکت را مستقلاً و به صلاحدید خود انجام می داد و در موارد سخت یا کارهایی که پایانی تردیدآمیز داشت، وی آن را با ناظر و واقعه نویس^۱ و با فرماندهان قشون مورد مشورت قرار می داد. (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۰۸). او همچنین در نظام اداری ایران تمرکز قوا ایجاد و آن را تقویت کرد و فساد اداری نظیر ارتشا را از آن پاک نمود؛

و در نظام اقتصادی ایران اصلاحاتی به عمل آورد و دخل و خرج کشور را کنترل کرد. به سبب تلاش وی کشور از یک بحران اقتصادی که گرفتار آن شده بود نجات یافت، خزانه سلطنتی مجدداً انباشته گردید، کیفیت پول اصلاح گردید، درآمد کشور از مخارج آن فزونی گرفت و تولید برخی کالاها نظیر محصولات کشاورزی افزایش یافت؛ و در عرصه نظامی به سبب تلاش او وضع سپاه اصلاح گردید. پرداخت مواجب سپاهیان شکل بهتری پیدا کرد. افراد سپاهی شمارشان فزونی یافت. توپخانه احیا و تقویت شد و سرانجام با همین ارتش اصلاح شده توانست آشوب ها و حملات متعدد اقوام ساکن و مجاور ایران را سرکوب کرده، سقوط صفویه را به تأخیر اندازد. (مشیزی، ۱۳۶۹: ۴۸۵)

دیپلماسی راهبردی و تعامل سازنده شیخعلی با دول خارجی

شیخعلی خان، توانست با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، سیاست خود و کشورش را با اوضاع و احوال سیاسی، نظامی و اجتماعی وفق دهد. و این خود مهمترین ویژگی یک وزیر اعظم از نظر روابط دیپلماسی و مناسبات بین المللی می باشد، مثلاً زمانی که فضای صلح و ثبات بر کشورش حاکم بود، با یک لحن و سیاست، و در موقع جنگ و اوضاع متخاصم سیاسی، یا برخورد دیگر سعی می کرد، موقعیت، حیثیت، منافع و مطامع کشور، فرهنگ و تمدن مملکتش را آن طوری که شایسته و بایسته است حفظ

نماید. مثلاً آن طوری که شاردن می نویسد: شیخ علی خان زنگنه در مورد تجارت خارجی به حسن روابط با همسایگان عقیده داشت. او گفت «مسکوی همسایه ماست و دوست ماست و روابط بازرگانی از قدیم برقرار است، به همین جهت سفیر آنها را زودتر از سایر سفرا پذیرفت.» (شاردن، ۱۳۷۳: ۷/ ۲۳۷) در دوران پادشاهی پتر، موج اصلاحات در روسیه قوت گرفت. خاصه سیاست و تفکر نگاه به شرق را تزاریسم مدنظر قرار داد و اقداماتی نظیر تسیس آکادمی علوم و اعزام مکتشفان روسی به اورا سیا شروع شد. (Van der oye, 2010: 19-21) با افزایش روند توسعه طلبی ارضی روسیه به سمت مناطق غربی و جنوبی، برخورد نظامی و اقتصادی روسیه با قفقاز و ایران اجتنابناپذیر شد. هدف پتر از این سیاست توسعه طلبانه، تسلط بر دشت وسیع میان دو دریای سیاه و خزر بود؛ زیرا سلطه بر این ناحیه، روسیه را به قدرتی تبدیل می کرد که صاحب بزرگراه تجاری در اطراف دریای خزر باشد و کنترل دریای سیاه را نیز داشته باشد؛ به ویژه که روسیه از داشتن ناوگان در دریای سیاه محروم بود و از دریای مدیترانه نیز اخراج شده بود. به محض درگذشت شاه عباس دوم و جلوس شاه سلیمان در سال ۱۶۶۷ م، آلکسی درصدد برآمد، نیات تجاوزکارانه اش را اجرا کند، از همین رو مجدداً قزاق های نیمه وحشی ساحل دریای سیاه را تحریک کرد، که به سواحل دریای مازندران حمله کنند. (وحید قزوینی، ۱۳۶۹: ۷۲۹) در سال ۱۶۶۸ م، شش هزار قزاق با چهار کشتی، که هر کدام به دو عراده توپ کوچک مجهز بود، در ساحل گیلان پیاده شدند و رشت را غارت کردند و با غنایم بسیار به قفقاز رفتند. در قفقاز با حاکم شماخی تماس گرفتند و اظهار کردند، قصد دارند، نمایندگانی به دربار ایران بفرستند. به راهنمایی حاکم شماخی، چهار نفر به نمایندگی استینکا رازین (Stinka Razin) فرمانده قزاق ها، به اصفهان آمدند و تقاضای شرفیابی به حضور شاه سلیمان را کردند، ولی شاه آنان را نپذیرفت و شیخ علی خان زنگنه، صدراعظم خود، را مأمور مذاکره با آنان کرد. نمایندگان قزاق اظهار کردند، که از ظلم و ستم تزار به جان آمده اند و می خواهند، تبعه ایران شوند و علت اینکه رشت را چپاول کرده اند، بدرفتاری اهالی آن شهر نسبت به آنان بوده است. (تاج بخش، ۱۳۴۹: ۹۵) در همین موقع سفیری از جانب تزار الکسی نامه ای از تزار برای شاه سلیمان آورد که نوشته بود این قزاق ها یاغی و فراری هستند و بهتر است دولت ایران گوش به حرف های باطل آنان ندهد، اما دولت ایران، که تزار را در تحریک قزاق ها بی تقصیر نمی دانست، به سفیر وی اعتنا نکرد و نمایندگان قزاق را با وعده و وعید روانه کرد شیخ علی خان با آگاهی از این که ناامنی های شمال ایران ناشی از تحریکات روسیه است و راه های گوناگون کوشید روابط ایران و روسیه را اصلاح کند. شاردن می نویسد: در سفر هیئت روسی به از ایران خواسته شد تا در ائتلاف تزار روس و لهستان علیه عثمانی شرکت کنند و ایران شرکت خود را حتماً به جنگ روسیه با عثمانی مشروط کرده بود (یعنی میخواست بعنوان یک متحد

نظامی با روسیه باشد نه آلت دست). (شاردن، ۱۳۷۳: ۳۴۹/۷)

همچنین باید به ایران به طور قطعی تعهد می‌دادند که به هیچ وجه بدون شرکت ایران صلح با عثمانی مذاکرات صلح نمی‌کنند. با این همه سفیر روسیه بدون پذیرش شرایط ایران همچنان بر خواسته‌های خود اصرار می‌ورزید. شیخ علیخان گفت عیسویان چندین بار ایران را به جنگ با عثمانی‌ها واداشتند ولی بالاخره بدون شرکت دولت ایران با باب عالی (مرکز حکومتی عثمانی) قرارداد صلح منعقد ساختند شیخ علیخان روس‌ها را قانع کرد، در ازای صادرات شمش‌های طلا و نقره از طریق بندر آستارا خان (آن‌زمان حاجی طرخان) به آنها ابریشم و پارچه و سنگهای قیمتی بفروشد. حتی از طریق تجارتخانه‌ای به آمستردام هم صادراتی داشتند. «بینگو» و اینجوری مشکل طلا و نقره ولو به صورت موقتی حل می‌شود. (سیبلا، ۱۳۶۵: ۱۰۵)، شیخعلی خان با آگاهی از قدرت روزافزون نظامی روسیه و خطر آن برای مرزهای شمالی ایران سعی کرد با مامشات و اعطای امتیازات بازرگانی نه تنها مرزهای ما را از خطر دور نگاه دارد که مسیر جدیدی برای صادرات کالای ایرانی به سمت اروپا به‌جای آناتولی و عثمانی باز کرد. ارامنه برندگان اصلی قرارداد جدید با روسیه بودند. در مدت کوتاهی پس از این قرارداد درآمد مالیاتی محله جلفا که در زمان شاهعباس ۹ هزار فرانک بود در زمان شیخ علی خان تا ۵۰ هزار فرانک افزایش یافت. (نوابی، ۱۳۶۰: ۱۰۵-۱۰۶) بعد از آن متوجه تجارت خارجی شد، و انگلیسی‌ها و هلندی‌ها را برای خرید ابریشم ایران با زیرکی به رقابت انداخت. درچنین شرایطی، ظاهراً روسیه هم ناامید نشد و به کوشش برای جلب نظر ایران برای جنگ با عثمانی ادامه داد. به همین سبب سفیر روسیه در رأس هیئتی ۱۰ نفر مجدداً به ایران آمد. این هیئت پس از ورود به ایران بلافاصله به اصفهان رفت. آنها ماموریت داشتند، ایران را به هر شکل ممکن به شکست پیمان معروف ذهاب و جنگ با عثمانی قانع کنند. که با درایت شیخعلی خان این کار صورت نپذیرفت. (مهدوی، ۱۳۶۴: ۱۲۴-۱۲۵) و شاه سلیمان به پیشنهاد شیخعلی خان در جواب سفیر روسیه گفت «روزی که ما با عثمانی می‌جنگیدیم استمداد ما را اجابت نکردید. اکنون که ما با آن دولت صلح کرده‌ایم دیگر گفت‌وگو در این باره ثمره ندارد؛ زیرا اگر ما به حمایت شما با عثمانی وارد جنگ شویم از یک‌ها، تاتارها و مغولان هند نیز به‌سبب هم‌کیشی با عثمانی به کشور ما تجاوز خواهند کرد» (فلسفی، ۱۳۱۶: ۱۷۴). شاه با اشاره به مصالحه بی‌هنگام غربی‌ها با عثمانی، به‌تعبیر شاردن دهان سفیر را بست (شاردن، ۱۳۷۳: ۶۵۵/۲). این همان پاسخی است که سانسون از آن چنین یاد کرده است: «هیچ جوابی شیرین‌تر و منطقی‌تر از جوابی که ایرانیان به نمایندگان آلمان و لهستان و مسکو دادند نمی‌باشد» (سانسون، ۱۳۴۷: ۱۷۲). به‌علاوه در سال ۱۱۰۱ ق/ ۱۶۹۰ م، شاه سلیمان با اعزام سفیری به سن پترزبورگ به تزار جدید روسیه، پتراول، ابلاغ کرد که «ایران مایل نیست به اتحاد ضد عثمانی ملحق شود که روس‌ها از مدت‌ها پیش در

پی ایجاد آن بوده‌اند» (متی، ۱۳۸۷: ۳۶).

در مورد روابط ایران و انگلستان در زمان شاه سلیمان، چارلز دوم در سال ۱۰۸۱ هـ.ق/۱۶۷۰ م نامه ای به وسیله «ایتن فیلر» نماینده شرکت هند شرقی انگلیس در ایران برای شاه سلیمان فرستاد و ضمن آن خدماتی را که شرکت هند شرقی در پنجاه سال قبل به شاه عباس اول نمود و در تسخیر جزایر هرمز و قشم با ایران مساعدت کرده بود، یادآوری و تقاضا کرد. طبق «فرمان شاه صفی» در مورخ ۱۰۳۸ هـ.ق عایدات گمرک بندرعباس به شرکت مزبور پرداخت شود و آنچه را هم که از سابق نپرداخته اند یک جا تأدیه کنند و به ماموران دولت ایران نیز دستور دهد در آتیه این مقررات را رعایت کنند. (مهدوی، ۱۳۷۹: ۱۰۹) در تاریخ سیاست خارجی ایران، «در مذاکراتی که آتین فلر نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس، با شیخ علی خان زنگنه به عمل آورد، صدراعظم او را متهم به تحریکات علیه ایران نمود، و اظهار داشت دولت ایران تاکنون هزار بار اجر خدمتی را که انگلیسها کرده اند داده است. (شاردن، ۱۳۷۳: ۳/۲۴۵) و آنکه - ۱ شماره به اینکه شاه صفی در سال ۱۰۳۹ هـ.ق، در نخستین سال سلطنت خود، فرمانی درباره تجارت ایریشم با شرکت هند شرقی انگلیسی صادر کرد، که به استناد آن بازرگانان انگلیسی حق داشتند در سراسر ایران به آزادی تجارت کنند، ضمناً عایدات گمرک بندرعباس هم به انگلیسها داده شده بود. اول بار بر خلاف قرار داد رفتار کرده ما نیستیم بلکه شمائید، و لذا از نظر ما این امر منتفی است. و صریحاً گفت: معلوم است، که این تو هستی که پیوسته انگلیسها را به تکرار در خواستهای بی معنی تحریک می کنی، و هر روز ۲ ذرع پارچه سرخ رنگ بدوش یکنفر افکنده، به عنوان سفیر تازه پیش ما می فرستی.» (مهدوی، ۱۳۷۹: ۱۲۲-۱۲۳).

بدین ترتیب دولت ایران از قبول تقاضای شرکت هند شرقی انگلیس خودداری کرد و آن شرکت هم به علت اوضاع داخلی انگلستان دیگر در این خصوص اصراری ننمود. ۲- پاسخهای جالب شیخ علی خان زنگنه به سفرای سه گانه که پیشنهاد اتحاد علیه عثمانی داده بودند. در سال ۱۰۸۶ هـ.ق که بحوجه جنگ عثمانی و دول اروپائی بود. سفیرانی از جانب لئوپلد اول امپراتور اتریش، ژان سوم سوییسکی پادشاه لهستان و آلکسی تزار روسیه، به دربار ایران آمدند. اسقف د، آربائل « سفیر اتریش حامل نامه ای برای پادشاه ایران بود. که طی تقاضای اتحاد بین دو کشور علیه دولت عثمانی و تجدید جنگ در جبهه شرقی را کرده بود. (نوایی، ۱۳۸۱: ۲۵۰) به موجب گزارش سانسون در این اجتماع: « به آقای آر شوم، آربائل، که از طرف امپراطور اتریش حامل نامه ای و می خواست که با امپراتور اتریش متحد شود و فواید این کار را توضیح می داد، اعتمادالدوله شیخ علی خان زنگنه جواب داده بود، که: «شاه ایران در مورد پیشنهاد اتریش بیشتر از آنچه که در آغاز سلطنتش بوسیله سفرای خود به امپراتور اتریش، پیشنهاد کرده بود، نمی

تواندبراز علاقه نماید، و درباره فواید این پیشنهاد گفته بود، که شاه ایران هیچ نفع و فایده ای از محترم شمردن قولی که به سلطان داده است، بالاتر نمی شناسد، آر شون گفته بود که ترکان عثمانی مکرر از قول و وعده ای که به شاه ایران داده اند، عدول کرده اند و هر وقت منافعشان اقتضا کرده، عهد خود را فراموش کرده اند! اما به وی جواب داده شد که شاه ایران نقض عهده پیمان شکنی را هنر و افتخار نمی داند، و رفتار ناشایست ترکها را تلافی به مثل نمی کند. (پیشین، ۳۸۱) و یا به سفیر لهستان در کتاب روابط خارجی ایران «زوایج» و در سفرنامه سانسون «سالمورن سکور کی» (سانسون، ۱۳۴۷: ۳۷۱) اظهار داشته که حالا وقت پس گرفتن بصره و ارزروم است، اعتمادالدوله، شیخ علی خان زنگنه جواب: هر وقت دولت لهستان شهر «کامی نیه تک» «Kamminie» را که ترکان عثمانی از لهستان گرفته بودند، پس گرفتند، نوبت باز پس گرفتن بغداد و از روم هم می رسید. اعتمادالدوله دنباله پاسخ به سفیر لهستان اضافه کرده بود. «ما فعلا چوب در لانه زنبور نمی کنیم! زیرا اگر ما با سلطان عثمانی وارد جنگ شویم، ازبکها و تاتارها و مغولها، هم به سبب وحدت مذهبی با آنها به کشور ما خواهند تاخت.» (مهدوی، ۱۲۸: ۱۳۷۹) شیخ علی خان در طول بیست سال وزارت خود کارهای بزرگی انجام داد و کشور را از لحاظ اداری، اقتصادی، نظامی و سیاست خارجی، حیاتی نو بخشید شیخ علی خان تمام حکام ایالات و ولایات را تعیین می کرد و مقامات عالی رتبه نظامی را هم او منصوب می کرد. همچنین فرماندهان نظامی که به میدان جنگ مأمور می شدند، همگی با نظر وی تعیین می شدند، با دست کم، وی وسایلی بر می انگیخت تا شاه این مناصب را به هر کسی که او مایل است بدهد. (نصرآبادی، ۱۳۴۹: ۷۵) یکی از اقداماتی که شیخعلی جهت حفظ و تداوم قدرت سیاسی و تضمین و تحکیم ثمرات اقدامات و اصلاحات خود انجام داد سپردن مناصب و امور کشور به فامیلان و خانواده خود. بود (شاردن، ۱۳۷۳: ۲۶۴/۷) البته ترجیح منافع شخصی خود بر منافع دولت در زمانی که حاکم کرمان شاهان در مورد تونل کوهرنگ بود. یکی از معایب و اقداماتی است که از طرف شیخ علیخان زنگنه در سفرنامه سانسون در مورد آن ذکر می به عمل آمده این بود که در زمان شاه عباس دوم که شیخ علی خان زنگنه حاکم کرمانشاه بود. (قبل از دوران وزارت) و شاه عباس دوم می خواست تونل کوهرنگ را حفر کند. شیخ علی خان که در آن وقت صدراعظم بوده. مانع این کار شده بود، زیرا در صورتی که این طرح انجام می شد، در نتیجه فراوانی آب، تمام اطراف اصفهان حاصلخیز می گردید و شیخ علیخان نمی توانست غلات و محصولات املاک و دهکده های متعدد خود را که در ایالات کرمانشاه و همدان داشت، در اصفهان به فروش برساند. این مرد قدرتمند با نفوذ فوق العاده ای که داشت، منافع شخصی او بر منافع کشور رجحان پیدا کرد. و به این ترتیب، شیخ علیخان به شاه عباس دوم قیولاند که آب کوهرنگ مضر و بد و زیان بخش است، و آب

زاینده رود را که تنها آب م شروب شهر اصفهان می باشد ، فاسد و آلوده خواهد ساخت. سایر امراء و بزرگان دولت نیز که منافی نظیر منافع رئیس الوزراء داشتند و نظر او را { شیخ علی خان } را تأیید کردند، و این طرح مهم و مفید را بهم زدند. (سانسون، ۱۳۴۷ : ۱۰۲-۱۱۰). سانسون با بیان این جمله اظهار می کند، که وزیراعظم ، به رغم همه چیز، چقدر برای ابقا در فرماندهی تا روزهای آخر عمرش تلاش می کرده است: «کل کشور با وزیر رنجور شد، چراکه در مدت بیماری او هیچکس قادر به عهده دار شدن مدیریت امور نبود». (سانسون، ۱۳۴۷ : ۱۱۵-۱۱۸) در پاییز همان سال، به مرگ طبیعی از دنیا رفت (خاتون آبادی، ۱۳۷۱ : ۵۴۷). پس از مرگ او، مقام وزیر اعظم، به مدت یک سال و نیم بدون وزیر باقی ماند، تا اینکه در سال ۱۱۰۲ه.ق ، شاه سلیمان، محمد میرزا طاهر را برگزید. در مجموع می توان گفت شیخ علی خداترس، پرهیزگار، سیاستمدار، اصلاح طلب و به طور مداوم در تقویت دین و دولت می کوشید. افرادی همچون باستانی پاریزی، معتقدند، اگر شیخعلی خان، به کمک صفویه نیامده بود، سقوط حکومت صفوی در اثر بحران اقتصادی و شورش ولایات قطعی و اجتناب ناپذیر بود. (باستانی پاریزی، ۱۳۷۹ : ۸۳).

نتیجه گیری

شیخ علی خان، در یکی از دوره‌های تاریخ ایران که در آنها حاکمان ضعیف به وزیران اعظم، فرصت ارتقاء به صاحب‌قدرت‌هایی واقعی در امور اجرایی می‌دادند، به بالاترین مقام دیوانسالاری رسید. با منصوب شدن شیخ علی خان به عنوان وزیر اعظم، و گرفتار شدن به دوره‌ای از فقر اقتصادی، وظیفه وزیر شامل کسب اطمینان از وقوع جریان‌های ثابت از درآمد به سمت خزانه سلطنتی بود. موفقیت او در این باب، مسلم است، حتی با احتساب اینکه او موفق به بازسازی دائمی پایه‌های مالی نشد. مدیریت شیخ علی خان، اوج نفوذ وزارت را مشخص می‌سازد، اما همزمان آغازگر روندی معکوس به سمت وزیران اعظم مستقل است. به علاوه، عمر طولانی شیخ علی خان به ادامه توانایی او در مهار ثروت برای خزانه شاه ارتباط دارد. وی به عنوان یک سیاست‌گذار و مشاور سلطنتی برای کسب اختیارات در امور اجرایی تلاش کرد. مدیریت کارآمد شیخ علی خان در نظارت بر جمع‌آوری درآمد و انجام اصلاحات مالی که در دو بعد سیاست داخلی و خارجی قابل تبیین و ارزیابی است. بیانگر این است که وی با بهره‌مندی از هوش سیاسی و تجارب مدیریتی و استفاده از ابتکارات خلاقانه و نوین در سیاستهای اقتصادی در زمینه داخلی با اقداماتی نظیر اصلاح نظام مالیاتی و ممیزی دولت و مبارزه با فساد اداری و رجال سیاسی و حذف امتیازات مالی و برخورد قاطعانه با متخلفان و بازگرداندن اراضی سلطنتی با تغییر در قوانین مربوط به نظام تیول و اقطاع و از سوی دیگر با رویکردی نوین در سیاست خارجی با دیپلماسی سازنده و تعامل گرایانه با دولتهای خارجی بویژه کمپانی هند شرقی هلند، و اعمال مالیات بر کالاهای خارجی توانست ضمن جبران کسری بودجه و افزایش دارایی و ثروت خزانه سلطنتی، نظام اقتصادی صفویان، ساماندهی و تقویت نموده و در مسیر رونق و شکوفایی قرار دهد.

منابع

۱. اولتاریوس، آدام؛ (۱۳۶۳) سفرنامه اولتاریوس ؛ ترجمه احمد بهپور؛ نقش ایران؛ نشر ابتکار،
۲. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، (۱۳۷۹) سیاست و اقتصاد در عصر صفوی، تهران، نشر علم
۳. تاج بخش، احمد، (۱۳۶۹) ایران در زمان صفویه، شیراز، انتشارات نوید
۴. حسینی استرآبادی، (۱۳۷۵) سید حسن ابن مرتضی، از شیخ صفی تا شاه صفی، تصحیح احسان اشراقی، تهران، علمی
۵. جملی کارری، جوانی فرانچسکو، (۱۳۵۷) سفرنامه جملی کارری، ترجمه عباس نخجوانی، عبدالعلی کارنگ، تبریز اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی
۶. خاتون آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲)، وقایع السنین والاعوام، به کوشش محمدباقر بهبودی، کتابفروشی اسلامیه، تهران
۷. خواجهگی اصفهانی، محمد ابن معصوم، (۱۳۷۱) خلاصه السیر، تاریخ روزگار شاه صفی صفوی، تهران، انتشارات علمی
۸. خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی (۱۳۶۲) تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، مقدمه جلال الدین همایی، بی جا، خیام.
۹. روهروبرن، کلاوس میشاییل، (۱۳۴۹) نظام ایالات در دوره صفوی، ترجمه کیکاووس جهانداری، ۱۳۴۹، انتشارات علمی و فرهنگی
۱۰. سانسون، مارتین، (۱۳۴۷) سفرنامه ی سانسون: وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی ، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ابن سینا
۱۱. سیبلا، شوستر والسر (۱۳۶۵)؛ ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه های اروپاییان؛ ترجمه غلامرضا و رهوام، تهران، امیرکبیر .
۱۲. سیوری، راجر، (۱۳۸۵)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز
۱۳. شاردن، ژان، (۱۳۷۳) سفرنامه شاردن، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، انتشارات توس، جلد دوم، سوم،

۱۹۰ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

۱۴. شاملو، ولی قلی بن داوود قلی (۱۳۷۱) قصص الخاقانی، تصحیح و پاورقی سید حسن سادات نصری، تهران: سازمان چاپ و انتشارات
۱۵. دومانس، رافائل، (۱۳۵۹): وضع ایران در زمان شاه عباس ثانی، ترجمه عباس آگاهی، تهران، زوار،
۱۶. دوسو سر، آنتوان، (۱۳۶۵) علل سقوط شاه سلطان حسین، ترجمه ولی الله شادان، تهران، کتابسرا،
۱۷. فسایی، حسن، (۱۳۸۲) فارسنامه نصری، تصحیح منصور رستگار، تهران، امیرکبیر
۱۸. فلسفی، نصرالله، (۱۳۱۶)، تاریخ روابط ایران و اروپا در دوره صفویه، تهران: بی‌نا.
۱۹. فوران، جان، (۱۳۷۷) مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی ترجمه احمد تدین، تهران، نشر نی
۲۰. فیگوئرا، دن گارسیا دسیلوا، (۱۳۸۱) سفرنامه، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، قلم
۲۱. قزوینی، محمد طاهر وحید (۱۳۶۹) عباس نامه، تصحیح ابراهیم دهگان، اراک: داودی
۲۲. کشاورز، اردشیر، (۱۳۸۲) عرصه عشق، کرمانشاه، انتشارات طاق بستان،
۲۳. کالمار، ژان، (۱۳۸۵) مطالعات صفوی، ترجمه داوود طبایی، تهران، فرهنگستان هنر
۲۴. کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰) سفرنامه کمپفر به ایران، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی
۲۵. گاردنر، براین. (۱۳۸۳) هند شرقی ترجمه کامل محمد حلمی و منوچهر هدایتی خوشکلام. تهران: نشر پژوه .
۲۶. لکهپارت، لورنس، (۱۳۷۵) انقراض سلسله صفویه، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۲۷. لمبتون، آن کاترین سواپن فورد (۱۳۷۷) مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی
۲۸. لوفت، پاول، (۱۳۸۱) ایران در عصر شاه عباس دوم، ترجمه کیکلووس جهاننداری، تهران، وزارت امور خارجه
۲۹. متی، رودی، (۱۳۸۷) اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی، ترجمه حسن زندیه، تهران، پژوهشگاه حوزه و

۳۰. دانشگاه، .
۳۱. مشیزی، میر محمد سعید، (۱۳۶۹) تذکره صفویه کرمان، به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران، انتشارات علم
۳۲. مردوخ کردستانی، شیخ محمد، (۱۳۵۱)، تاریخ کرد و کردستان، ج ۲، سندج: کتابفروشی غریقی
۳۳. منشی ترکمان، اسکندر بیگ (۱۳۸۲) تاریخ عالم آرای عباسی، مقدمه ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
۳۴. میرزا سمیعا؛ (۱۳۶۹) تذکره الملوک؛ م تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، امیرکبیر،
۳۵. مینورسکی، ولادیمیر، (۱۳۷۱) تذکره الملوک، رساله‌ای در باب دستگاه‌های دیوانی و تأسیسات و بنیان‌های اداری دولتی در عهد صفویه، ترجمه مسعود رجب نیا، به کوشش دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران، امیرکبیر
۳۶. نصر آبادی، محمدطاهر، (۱۳۴۹) تذکره نصرآبادی، ویرایش توسط حسن وحید دستگردی (تهران، مروارید
۳۷. نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۵) تاریخ ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران، نشر هما
۳۸. -----، (۱۳۶۰)، اسناد و مکاتبات تاریخی از سال ۱۰۳۸ تا ۱۰۵۱ ق همراه با یادداشت‌های تفصیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۹. هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۶۴)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران امیر کبیر
۴۰. نشریات فارسی
۴۱. جعفرپور، علی، سلیمی، بخشان، (۱۳۸۶) نگاهی به وزارت شیخ علی خان زنگنه در عصر صفوی، نشریه مسکویه، شماره هفتم، صص ۷۳-۹۰
۴۲. کریمی، علیرضا، (۱۳۸۸) پژوهشی درباره شیخعلی خان زنگنه، نشریه حکومت اسلامی، شماره سوم، صص ۱-۷

۱۹۲ مطالعات تاریخی جهان اسلام

سال نهم، شماره ۱۹، پاییز ۱۴۰۰

منابع انگلیسی

1. Al-Qasimi, Sultan Bin Muhammad.)1999(, *Power Struggles And Trade In The Gulf 1620-1820*. Produced by university of Exeterpress.p.69-83
2. Rudee mathee-Administrative stability - 28and change in late-17th - century Iran: INT.J.middle east-studies. (1994). P 89-113
3. Van der Oye, David Sch, (2010), *Russian orientalism: Asia in theRussian mind*